



سهام کود
کشاورزان ایرانی
چه شد؟

» ۵

قلم اقتصاد

• سال اول • شماره پیاپی ۲۶ • شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۷ • ۵ محرم ۱۴۴۰ • ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸ • ۱۵۰۰ تومان

مسئولیت خبرگان
رهبری نظارت
بر دولت نیست



» ۲

یادداشت

مسئولیت اجتماعی
هوس زودگذر نیست

ناصر بزرگمهر

nbozorgmehr@yahoo.com



به نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود.

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سازمان‌ها در دهه اخیر به وضعیت غالب و مسلط حوزه اداره شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های معتبر جهانی مسئولیت در برابر اجتماع و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی شرکتی خود می‌بینند. این مفهوم، موضوعی است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی با اقتصاد باز به شدت از سوی حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنیا دنبال می‌گردد. با گذشت بیش از ۶۰ سال از ورود مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به ادبیات مدیریت شرکت‌ها و کسب و کارها، هنوز این مفهوم در فضای کسب و کار ایران جایگاه شایسته‌ای پیدا نکرده است. طرح و توسعه این مفهوم در شرایط بحران فعلی اقتصاد ایران می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه خصوصاً حوزه اشتغال و بهره‌وری نیروی کار گردد. در این نوشتار سعی شده است که به صورت اجمالی ضمن برشمردن روند شکل‌گیری این مفهوم، وضعیت تحقق میزان مسئولیت اجتماعی شرکت‌های ایرانی و چگونگی توسعه و بسط آن در کشور بیان گردد. بعضی‌ها مسئولیت اجتماعی شرکت را یک هوس زودگذر توصیف می‌کردند که با مسائل قبلاً (CSR) اقتصاددان‌ها سیاسی‌سرو کار دارد. در حال حاضر شاید هنوز هم این افکار ایدئالیستی به نظر می‌رسد زیرا اجرای برخی برنامه‌ها بدون شک خیلی وسیع‌تر از قابلیت‌های سیاسی حاضر است اما باید بداندیم همان‌طور که یکی از بزرگان نوبل اقتصادی خاطر نشان کرده، ایدئالیست‌های امروز رئالیست‌های فردا هستند. استانداردهای مسئولیت اجتماعی یک ضرورت حیاتی در عصر جهانی شدن است. مسئولیت اجتماعی شرکت، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند انجام دهد. مسئولیت اجتماعی شرکت رویکردی جامع به ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حفاظت از منافع ذینفعان، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، و تغییر نگرش‌های شخصی است. در طول چند دهه گذشته تغییرات چشمگیری در محیط فعالیت‌های سازمانی صورت گرفته است. جوامع به میزان فراوانی به مقولاتی همچون کنترل آلودگی (هوا و صوت)، ایمنی و سلامت محیط کار، فرصت‌های برابر استعدادی برای اقلیت‌ها و زنان و کیفیت ایمنی تولیدات، توجه می‌کنند. دیگر خواست و نیازهای جامعه از تجارت، صرف‌رابط حساب خواسته‌های بازار و اقتصادی تعیین نمی‌شود بلکه اکنون سازمان با دامنه وسیعی از مسئولیت‌های بازار، روبه‌رو است. بعضی از آن مسئولیت‌ها تا حد زیادی مربوط به جامعه هستند. بدین ترتیب شرکت‌ها موفقیت و تداوم حیات خود را در گرو مسئولیت در برابر محیط اجتماعی می‌بینند در این صورت بار و بکردی آینده‌نگر مسئولیت اجتماعی نه تنها سیاستی هر چند بهر تلقی نخواهد شد بلکه نوعی سرمایه‌گذاری انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود. هیچ کس در جهان نمی‌تواند ایده مسئولیت‌پذیری را بپذیرد، مگر اینکه در...

ادامه در صفحه ۷

«قلم اقتصاد» گزارش می‌دهد:

«کوپن»؛ دوباره بازی می‌گردد

» ۳



ضریب نفوذ بیمه در ایران ۲۳/۲

انتقاد رییس کل از وضعیت نامطلوب بیمه

» ۲

«ایمن دین»
که بود؟



» ۲

«نقد ینگی»؛
متهم اصلی



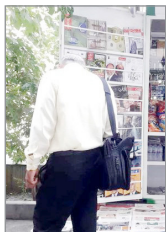
» ۳

فالوور
نیازمندیم!



» ۷

تیراژهای
رو به سقوط!



» ۸

یادداشت

یک ثانیه از لذت فوری
تا ملال فوری

دکتر فریدین علیخواه

گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان



من دموکر اسی میخوام با تشک!

محمد رضا ستوده

روزنامه نگار



دوروزه که حال من روزای دیگه بدتره. دوروزه که از ناحیه کمر و گردن، درد شدیدی رو دارم تحمل میکنم. به خاطر این شغل بی منفعت که حتی کمر و گردنم ازت میگیره رفتم دکتر. به سری پند و اندرز در مورد ورزش و استرخ و نرمش و اینجور چیزا داد. باید تشک و بالش هم عوض کنم. هر دوش باید به شدت طبی باشه. ولی دلیل بد شدن حال درد کمر و گردن نیس. دوروزه که دارم دنبال یه تشک مناسب میگردم. هم از لحاظ کارایی هم قیمت. تمام تشک های ایرانی رو بررسی کردم. روی همش دراز کشیدم. قیمت هاش رو هم پرسیدم. از ششصد هزار تومن شروع میشد تا یک میلیون و دویست هزار تومن. ۲۴ ساعت مرد بودم که کدومو انتخاب کنم. آ یا اون هفتصد هزار تومنه با اون ۱ میلیونیه خیلی فرق میکنه؟ تا اینکه تصمیم گرفتم برم از یه فروشگاه برند خارجی سوال کنم. استارت بدبختی و بدحالی از همین نقطه زده شد. رفتم داخل یه فروشگاه برند خارجی. قبل از اینکه شروع کنه و مارک های ایرانی رو آنالیز کنه، گفت: اول بیا روی این تشک بخواب. مارکش «پرن» بود. رفتم خوابیدم. برای یه لحظه دنیا جای بهتری شد! یه جورایی نسبت به تشک هایی ایرانی که تست کرده بودم احساس انزجار بهم دست داد. گفتم: این چنده؟ گفت: یک میلیون و نهصد. توی دلم خالی شد. گفتم: حالا بیا روی این یکی هم بخواب. فهمیدم قراره که بهت از قبلی باشه و گرونتر. پاهام سست شد ولی عطش امتحان داشتم. رفتم خوابیدم. خوابیدم ولی بیدار برین لحظات زندگی بود. هیچ وقت انقدر بیدار و سر حال و آسوده نبودم. طرف بالای سرم وپایه‌ها بود و داشت از ویژگی هاش میگفت. هیچی زیرم نبود؟ مغزم نمی خواست صداشو بشنوه تا این لذت بی وقفه رو خدشه دار کنه. تا اینکه گفت: بلند شو این یکی هم امتحان کن. عبارت «بلند شو» مث پتک خورد توی سرم. نمیخواستم بلند شم. دوست داشتم به خاطر اینکه میخواست از روی اون تشک بلندم کنه انقدر سرشو بکوبم توی دیوار تا بمیره ولی ادامه جمله‌ش باعث شد آروم شم. اینکه قرار بود یکی دیگه رو امتحان کنم. توی مسیر تشک بعدی قیمت قبلی رو پرسیدم. سه میلیون و ششصد!

با درونی پر از عشق و هیجان روی سو می خوابیدم. وقتی دراز کشیدم دنیا شفاف تر شد. افسردگی حادی که سالها گریانمو گرفته بود از توی بدنم خارج شد و قدم زنان از مغازه رفت بیرون. تمام وجودم پر از محبت و انسان دوستی شده بود. حتی می تونستم رو خانی رو هم دوست داشتم باشم. سلول های بدنم عاشق شده بودن. عاشق تشکی که زیرشون بود. بازم توضیحات فروشنده رو نمی شنیدم. فقط یه سری عبارت مثل «مموری قوم» یا «دانسیته ۸۰» گوشمو نوازش میکرد. تنها چیزی که گوشم با تمام وجود شنید قیمت هفت میلیونی تشک زیرم بود. دنیا روی سرم هوار شد. زیرم نرم بود ولی روم درب و داغون. زیر آوار قیمت مدفون شده بودم. ولی به خاطر تشک زیرم هنوز داشتم از زندگی لذت میبرد. همزمان با این همه احساس خوب، حال من از زندگی که تا الان داشتم به هم خورد.

حالا دیگه نه می تونستم مارک های ایرانی هشتصد هزار تومنی رو بخرم، نه اون خارجی های سه میلیونی رو. فهمیدم اونی هم که تا الان زیرم بوده تشک نبوده. اصن مگه تا الان چیزی زیرم بوده؟ آره بوده! اینی که توی این سالها زیرم بوده یه تیکه پارچه بوده که توش از سنگ و میخ و میلگرد و خرده شیشه پر شده بود. اگه اپنا اسمش تشکه، اسم اونو باید گذاشت: کیسه مشقت! الان حال من خیلی بد. به ۳۰ سالگی فکر می کنم که روی این تشک ها خوابیدم و به سال های آینده ای که بازم قرار نیس روی این تشکها بخوابم. مخصوصا تشک آخری...

حال من خیلی بد. من موندم و یه مشت برشور و حسرت و یه تشک مستهلک که مر تاض های هندی ام طاقت شسوندن ولی اون کیسه مشقت الان داره انتظار موا میکشه تا شب برسم خونه و بازم خالصانه بهم خدمات بده!



بدون محدودیت مکانی
قابل استفاده فوری

اینترن پرسرعت ثابت
#شتاب بگیر!

دارنده مجوز FCP به شماره ۱۶-۱۰۰۰۹۴۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی



۱۵۴۴



asiatech.ir

